

چرا ما به شغل هواشناسی کشاورزی می پردازیم؟ برای سرگرم و مشغول نمودن خودمان به درک ارتباط مابین آب و هوا / اقلیم و تولیدات کشاورزی در مفهوم وسیع کلمه و استفاده از تمامی انواع روشهای پژوهشی مورد علاقه؟ حال آنکه دیگران می بایست از چنین دانشی استفاده نمایند؟ یا آنکه ما می کوشیم تا با کاربرد هواشناسی کشاورزی در بهبود معیشت زارعین و دیگر تولیدکنندگان غذا و فیبر خودمان را از بقیه افراد متمایز کنیم؟ من از وقتی که از رشته فیزیک به رشته علوم محیطی آمده و با کاربرد آن علوم در تولید غذا و فیبر و شرایط اجتماعی - اقتصادی آشنا شدم به گروه دوم تعلق دارم. اما بمحض آنکه انتخاب انجام می شود سولاتی مطرح می گردد که از کجا شروع نمائیم؟ چگونه تولید علم نمائیم و چگونه در جهت حل مشکلات آنرا هدایت نمائیم؟ کدام مشکلات اولویت دارند و چگونه با استفاده از هواشناسی کشاورزی مشکلات را حل نمائیم و در نهایت ما مجبوریم به تمایز مشکلات زارعین و حل آنها در زمینه کاری ما تامین بودجه و همچنین شرایط اجتماعی که تولیدکنندگان در آن مشغول به فعالیت می باشند در حدی بیش از یک گروه هدف انتخابی - تصادفی پردازیم.

با سولات اساسی و همیشگی همانند اینکه " چرا ما با تعداد محدود می توانیم تفاوت زیادی ایجاد نمائیم؟" و " چرا ما یک جریان اصلی از علم محسوب نمی شویم؟" در این صفحه خانگی من مجدداً بمیزان گسترده تر و در سطح بین المللی این موضوع را به بحث می گذارم. چنین عقیده ای پس از خواندن مقاله ای تحت عنوان " تثبیت آفریقا تلاش قدیمی و مشترک " که توسط جو نوسرا در هرالدتربون 16-17 ژوئن نوشته شده بود به فکر من خطور کرد. من بمیزان زیادی برای پروفیسور جفری ساچز اقتصاددان و رئیس موسسه علوم زمین دانشگاه کلمبیا احترام قائل هستم. من مقاله وی تحت عنوان " پایان فقر - امکانات اقتصادی برای زمان ما " (انتشارات پنگوئن 2005) را مطالعه نمودم که داستانی از تلاشهایی بود که ارزش جایزه نوبل اقتصاد یا صلح را داشت. سولات اساسی بیان شده توسط نوسرا (Nocera) به شیوه خودش که من می خواهم بهمان میزان تداوم و قابلیت سیاسی - اجتماعی - اقتصادی آنرا خلاصه نمایم. اگر بعنوان مثال پروژه های پایلوت روستاهای هزاره (Milleninium villages) آقای ساچز (Sachs) در روستاهای فقیر آفریقا در کشورهایی با دولتهای نسبتاً با ثبات در حال اجرا بوده و عمل می نماید برای تمامی آفریقا از هر جهت می تواند عمل نماید؟ ممکن است سولات مشابه در رابطه با پروژه های پایلوتی که دولت هلند در حال حاضر در آفریقا عهده دار تامین بودجه آن

بوده و در حال گسترش آن به مناطق دریاچه های پنجگانه می باشد مطرح گردد . همه این مناطق دارای خاک سنگین (حاصلخیز) بوده و جنگلکاری و سیستم های جنگل - زراعی در زمین های شیبدار آنها انجام می پذیرد .

ما نیز هنگامی که پروژه های کوچک مقیاس هواشناسی کشاورزی در آفریقا را به انجام می رساندیم سوالاتی مشابه را از خودمان می پرسیدیم . پروژه های مذکور پارسال برنده بهترین مثالهای خدمات هواشناسی کشاورزی توسط انجمن بین المللی هواشناسی کشاورزی شدند. پروژه های پایلوتی که مدتها قبل در کشور مالی در خصوص تبادل اطلاعات هواشناسی کشاورزی مابین یک گروه از متخصصین سرویسهای هواشناسی و آبشناسی ملی متخصص در امر هواشناسی کشاورزی و مروجین انجام گردید مثال دیگری از این دست می باشد . آنها تا حد ممکن عمل می نمایند . که چی؟! آنها شرایط تولید گروه های هدف (کشاورزان کم درآمد) را بهبود بخشیده اند اما توانگر نمودن آنها اغلب در اختیار هواشناسان کشاورزی نبود . آیا این راهی است که باید دنبال نمود؟ آیا راههای دیگری وجود دارد؟ نظیر توسعه مدارس مدارس مزرعه (صفحه خانگی قبلی مرا در خصوص مدارس اقلیم - مزرعه در اندونزی مشاهده نمائید). ساچز(Sachs) معتقد است که غرب می بایست هزینه هنگفتی را بطور همزمان جهت کنترل بیماری ها - بهبود کشاورزی - ایجاد مدارس بهتر و ایجاد زیرساختها در آفریقا صرف نماید . اگر این کار بتواند انجام شود او معتقد است که در نهایت رشد اقتصادی نصیب آفریقا خواهد شد . او کاملاً کشورهای G-8 را به جهت شکستن مکرر قول هایشان مورد انتقاد قرار داد زیرا اکثر منابع مالی مربوط به شرکت هایی که تامین کننده بودجه در آفریقا می باشند کاهش یافته یا تنها بودجه پروژه های پایلوت خود را تامین می نمایند . نوسرا نتیجه می گیرد که آزمایشات بخوبی در حال انجام می باشد حتی هنگامی که ما به توانگر شدن زارعین مطمئن نمی باشیم نیز می بایست ادامه یابد . سال گذشته کابراو و همکاران در چشم انداز منابع طبیعی ODI (101) استدلال می نماید که پروژه های پایلوت روستاهای هزاره (Milleninium villages) بطور موفقیت آمیز سرمایه گذاری در مناطق روستایی را مورد توجه قرار می دهد جایی که هنوز فقر بمیزان زیادی وجود داشته و جهت بازاریابی سیاست اولویت بندی اقتصادی و اجتماعی و جذب کمکها طرح و برنامه ای کلی مورد نیاز می باشد . عقیده آنها چنین بود که پروژه ها بطور دقیقی از هم تفکیک شوند و چنین تفکیکی جهت جلوگیری از محرومیت اقتصادی - اجتماعی در تمامی سطوح مورد نیاز می باشد . من

اضافه می‌نمایم که هم‌اکنون توانگر نمودن و تشخیص نیازها و ضرورتها باید درآزمایشاتی که توسط کشورهای G-8 تامین اعتبار می‌گردند آزمون گردد.

تشکلهای غیر دولتی و دولتها - جوامع محلی و سیاستگزاران به ما بیش از پیش بعنوان دانشمندی که بتوانند ارزیابی‌های نیازها را با تولیدات بهتر بصورت خدمات مرتبط سازند نیاز خواهند داشت . خدمات مذکور بر اساس درک سه عامل استوار است (1) استراتژی‌های نسبتاً سازگار و کاربردی (2) سیاست‌های مبتنی بر علم و آخرین عامل ولی نه کم‌اهمیت‌ترین آنها (3) انتخاب علوم کاربردی ما در مزارع .

بیانید مشکلات را با انجام دادن آنها بیابیم ! بیایید علم کاربردی مان را تغییر دهیم . انجمن بین‌المللی هواشناسی کشاورزی (INSAM) می‌تواند سکوی پرتاب شما باشد . تعداد اعضاء ما به 900 نفر رسیده است و ما خواستار بیشتر از آنیم.

مترجم : سید مسعود مصطفوی دارانی